

جای اداره کتبا

دیر - فلاخن کتبی

ملکرافات و مکاتیب

باید بعنوان دلیل باشد

فومن مجل

مرحله چهارم به طبع و توزیع خواهد شد

گفت نموده است شامی

# کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و طلا

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا

و عنوان پذیرفته نشود

در شرکاء بعد از نمره و باقی

قیمت اشراک

بجای ده نمره

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متورانکار اسلامیان است

آیا وجود ناقص به از عدم صرف است  
 کابینه محبوب پس از طی یک رشته زلزل و بحران  
 عموم علاقه مندان باین آب و خاک راستدیده  
 باخللال خود مینمود علی رغم امال و وطن خوانان در  
 مطابق آرزوی بدیسانیکه لزوم ترسم کابینه را  
 با انواع تفسط و لحاج جا پلانه ثابت میکردند  
 بالاخره بصوتیک یک عضو فاسد (دوام لفظی)  
 اصلاح کردید !!!

گویم این فلسفه قانع شدند که امروزه با وضوح  
 صدان خط الرجالی وجود ناقص به از عدم صرف  
 است در این مورد و آیا

وجود ناقص به از عدم صرف است  
 در این جا تا کزیریم که عتاید خود را بخلاف احوال  
 حکما، با دلیل ساده عاری از اغلو طهای اپنی  
 ذکر نمایم

گرچه از گوشه و کنایه میگویم که نسبت خسوت  
 قلم و حرارت خارج از برکت را با ممد بندید  
 جواب این ایرادت بی مدک میگویم که این  
 در برکت است

همه تحمل بجا (با تحمل بیجا که خواری آرد بار) عزیز  
 ذلت چه نفسی بر دم امر و زنت حق گوی ما که  
 حق و جمع موجوداتش کو ایند جز طریق صدقت  
 و خدمت بوطن و ملت طریقی نه پموده پس از  
 چند سال آواره کی انزو افر سو ده کی مرض ابتلا  
 به بستر ناتوانی که هنوز هم گرفتاریم و فشارهای  
 جان گاه ادراک محیطی آزاد نموده آری  
 محیط آزادیکه بخون جوانان ناکام ما برگ

نوبه لان ما، بعدا کاری برادران دلیر با هوای  
 روح پرور آزاد را واحد کرده محیط آزادی که  
 ناله های جان گذاز صبحه های جگر خراش برادران  
 بی پسر، اطفال بی پدر، زنان بی شوهر، خواهران  
 بی برادر، دل های ساکنین آن خطه را کباب  
 میکنند محیط آزادی که از شش صحت مخاطه  
 دشمنان خارجی و غائبین داخلی و محلی معتقد  
 دوستان نادان جاهل کرده محیط آزاد که  
 یافته ان همه ادوات انقلابی با مخذورات حیرت  
 آوری که فقط باید دید و نمیدانند تخصی آزادی نمود  
 در آنجا که

بنازیر و نیزنگ و تهدید و هزاران ترقیات  
 آور با دست شرفان ایرانی و قلم حق شکن بی  
 وجد نهایی وین فروش با مغلطه های ضد حقیقت  
 بالجله با وزارت توام السلطنه با منجواهند بوی صبا  
 آزاد آنرا مسموم نمایند در این چنین محیطی که کجاست  
 یک عده از جان گذشته خیانت خائنین و  
 آترک های خدارانه دشمنان وطن و دین تا اکنون  
 شولت اثرات سوء خور را در آنجا نفوذ دهد.

علی در همه عیالی با کزیه که منور بد بیان نهمت  
 گوناگون ستش میدارند و گر چگونه خود داری می  
 جان از ذکر حقایقی که بر حقیقت طلبان گرفتار  
 تقیه و جوب ذکر آن را مصدق و منظرند که چون  
 با فطلا آزادیم و از اودانه باید بگویم نبوسیم چشم  
 پوششیم  
 بچه آید باز هم ترکت بر خط را که کلمه خرابها  
 سنگت بلا دیده ما از آن ناشی گشته شاعر خوش

قرار و بیم  
 امروز که قلم ادبایی حریت پرور و نویسنده کلان  
 صالح با هنر و آن خفا سرگران بهانیکه با یکدیگر نیا  
 اسف در تحت تصنیق و فشارهای طاقت فرسای  
 اجانب و اضرار خداران ایرانی محدود گردیده  
 و قادر نیستند مردم بد بخت ایران را کاملاً بر ظا  
 نشان آگاه کنند

آباد بر بچه روزی و طیفه نمانت که متعقب  
 نبات حسنه آن فرزندان خلف وطن با بیان آنگن  
 خود سخن سرانم دانچه را که تهدیدات خارجیه مانع  
 است بگویند بگوینم  
 بگردان آنگه تمام ایران گرفتار این تهاوز و

ظلم سکاوزین داخلی و خارجی است ولی ما را عجمانی  
 (تا بعد با این همه دشمنان از نمانت چه شود) محلی محفوظ  
 از تعرض بیگانگان و بد کرداران تیرگشته دین  
 موقع و در این محل نباید مردم را آگاه نامیم؟  
 زهی بوجدانی و خیانت که در همه وقتی هم در  
 زاویه سکوت و خاموشی خریده امید داریم  
 که با قوتی و محافظه کاری و عجز و مسکت و اهلنا

بچاره گی مورد ترخم دیگران کردیم  
 نه خن است با میگویم، بنویسیم، باکی از  
 ایرادات توتیه میان دور از حقیقت نداریم  
 ما وظیفه خود را ادا کرده با صدق و بی شاکه  
 حق را بگزر میکنیم و باین دلیل مختصر با جمله گویم  
 ثابت میکنیم که عشویت توام السلطنه بر مردم مسلط

نیست در این جا  
 وجود ناقص به از عدم نخواهد بود  
 باین دلیل - حرثات موزیه سباع خاره  
 در عالم خلقت وجودند و وجود (بنا بر وجود خود)  
 غیر محض است ولی برای اذیت و ضرری که از  
 وجودشان در اجتماعات بشری دارد میشود  
 بقوامی عقل وجودشان مقرر عدشان از  
 وجود بالبدیه و فشان واجب است پرورش  
 دادن انشی در استین مجاورت با حیوان ذنده  
 مصاحبت با عترت کزنده با مضرات محوره  
 آنها با اسم اینکه وجود ناقص به از عدم صرف است  
 غلط محض و فاعل یک چنین فعلی را بی شبهه باید  
 محفل العور و بکلی از دانش دور دانست امروزه  
 وجود توام السلطنه و برادر والا کهرش در لوق  
 الدوله بلیک عده از عزیزان بی حیثیکه گویند

پاکش ایران رقت و عبودیت خود را با ناسند  
 شرعی سپردند با نظر نطنجی در افعال زمان ریاست  
 وزمانداری آنها واضح میکند که وجودشان مانند  
 همان سباع ضارّه و مکرر بهای میوزیه مقرر است  
 اجتماعی و ستم فیکر روح ملی ما هستند از وجود  
 علاقه آنکه نفسی مشاهده میشود ای بسا دچار  
 محاطات و مهاجرتی هستیم که بهیچ درجه حال حس  
 کرده و دانسته ایم.

اما برای فساد اخلاق اغراض شخصی، جهل نفاق  
 خاطر خواهی و دوستی و یا محافظه ثقل و مقام دو  
 روزه که تقریباً حق التکوت میدهند صرف نظر  
 کرده بلکه تقویت و حمایت میکنیم ستم قاتل را بر آن  
 فاروق نام نهاده مکرر بل را از لوازم محبت  
 مزاج ثابت مینماییم.

مگر همین قوام السلطنه و برادر گرامی او متابعت  
 اسلافشان که بدون تعارف و ریاضه اقیان  
 سعادت پدرم روضه رضوان بدو کندم نفوذ  
 ناخلف باشم اگر من بجوی نفروشم صفیات  
 تاریخ ایران را بخیانت های صرخی که گمان نپذیرم  
 منصفانه بتوان انگار نمود لکه دار کرده اند در  
 چیدن نوبت زمام داری خود چه اثری جز ارباب  
 خیانت و بدکاری و وطن فروشی عاریت و پیرا  
 معایب ماگفتی با و کار گذاشتند که امروزه بخوا  
 همان اثر را ترتیب اثر داده و جدا تا تصدیق نمود  
 که ممکن است از وجودشان بعد از ابروی اصلاح  
 خرابی های طاریه منتفع گردید ؟  
 کابینه چه نقضی داشت ؟ در صورت نقص  
 و احتیاجش بر مسم آیا وجود قوام السلطنه چه گونه

مصلح و معالج آن نواقص خواهد گردید ؟  
 ما بر ضد عقاید خود دکه کابینه آقای علاء السلطنه  
 تقدیس میکنیم، فرضاً گوته نظر آن نخر را تصدیق  
 کرده فساد کابینه را تسلیم نمایم علاج آنرا آیا بضرورت  
 قوام السلطنه انصافاً علاج فاسد باید نماید ؟  
 حالیه که وزارت ایران ملک حلال و حق  
 بیروال کیفیده که قطر شکم و استخوان پوسیده  
 اجداد و الا تبار خود با تجلاتیرا که بخیانت و وطن  
 فروشی و شارا لانی و گردارهای مخرب و با  
 و انسانیت حاصل نموده اند گردیده ما تقصیر  
 در بین این کرگان آدمی صورت که همه ملتغیبها  
 تاریخی را شنیدن یک کلمه حضرت اشرف  
 و با تحقیر تعارف دوستانه یکی از سفرهای دول  
 مجاوره با ما خندانک رشوه که آنهم در یک شب  
 صرف شهوات ناموس بر باد ده آنها میشود  
 چیزی بشمارند چند نفری که معنی وزارت را حدت  
 بوطن دانسته اند زمام امور مملکت و ایران  
 ما را در این موقع بحران امروزه دنیا و حریق  
 عالمگیر جنگ بین المللی و مبارزه حیاتی ملل  
 عالم که هر ملتی بانی صبری و شتاب در فکر استاده  
 از این بچرانند در دست بگیرند آنوقت این  
 مزدوران اجانب و این خاموشی که وزارت  
 راجع خود می نیندازند با تحریکات خارجی هر روز  
 بیک ترمیمی نکلین با اشکال تراشی و تولید اغتشاش  
 خار راه اصلاحات شده بقوت بیگانگان کلین  
 را محبور با استعفا نموده اگر نشد با ستم ترسیم کی در نظر  
 از خائنین رضیمه و زرامی امین نموده و با این ستم  
 که مانند مرض مبرم شفا قلوبس سید با برکت

میکنند اعضا، عاقله را بی ثمر و همه را فسخ و حتی که آتش  
رفته رفته کابینه را منحل و بجای آنها همین خائنین  
به عمل و پیش و اول استیلا و تجاوز بگامگان  
جالس مند وزارت گردیده میکنند آنچه را  
تا امروز کرده اند و دیده ایم.

چگونه می توانیم خود را فریب داده متقاعد  
گردیم که قوام السلطنه تبعیدات خود باید ارکشیه  
و در رویف و برای صحیح العمل مشغول اصلاحت  
ملکیتی شده و وظیفه یک نفر وزیر با شرف را  
ادا خواهد نمود.

زیرا امتحانات عدیده که در زمان وزارت  
های متعدده خود (مالیه، داخله، جنگ) و اداری  
و محصر نمونه اعمال او بجای عاراقی است که بی  
شهادت میدهند این وزیر ایران پرستی  
وزارت را خوب مبوق گردیده و کلاما عهد  
نمیاید بقبول کاران میزرای امیر کبیر حاصل می  
سال سلطنت مستبده من در تمام ایران یک  
باغی است که قوام السلطنه با بهره چهار سال  
وزارت خود در زمان مشروطیت خواهد خریداری  
کند.

چون رشوه و فساد در ایران تقریباً همی  
میدانموده این جمله را هم از معایب این وزیر  
مقتدر محبوب نمکنم افعال دیگرش که ذکر آنها  
ما را از ذکر مقصود باز میدارد و شاید لزومی در  
تذکار آن نباشد بباحق میدهد که با بکار خود  
ثابت بوده و او را در کابینه حاضره عضو فاسد  
دانسته و وجودش را با موجودیت نقیضه های  
اصلاحی و دیانتی باز عدم صرف بدانیم.

کو با فراموش کرده ایم کابینه اخره آقای موسوی  
الملك که حقیقتاً تاریخ ایران ثعبانیت عملیات  
آن کابینه میتواند افتخار کند بعضویت دو وزیر  
فاسد به عمل (فرمانفرما، سه سالار) فایده آخر  
الامر ساقط گردیده این همه خرابیها و قتل و غارت  
هائیکه در ایران شده و هنوز هم میشود و مشاهده  
میکنیم از اثر انضمام آن دو ضمیمه و یا آن دو وصله  
ناجور است.

مستورهای حوادث ناضیه که امروزه با طرز غیر  
قابل تقریری در انظار ما عوض اندام نماید عجایب  
تنبه بمانند، باز هم غافلانه خود را تسلیم میدهیم که  
شاید در آینده برخلاف گذشته رفتار کنند.  
با احتمالات قطعیات را رد میکنیم محوسات را  
منکر میکنیم ویم و برای تنگی قافیه همین کلمه مثبت  
میگویم که

وجود ناقص به از عدم صرف است  
در حالتیکه خائنین عدویشان به از وجود میا  
با بکند نیات اثر و تاتف این پرده جدیدی را که  
اکتورهای باهر خارجی بجای باز می گذاشته اند تنها  
شامیکنند با اتفاق نصف مردم ایران که نصف  
دیگرش بر کفشت غلطی و گرسنگی تلف شده و از  
این فریب روایان بی دیانت عاری از مرد  
خلاص میشوند) با نظاره ظهور حوادثی مستم که از  
این جن انتخاب البته موافق میل اجانب ظاهر خواهد  
شد پس از چند روز دیگر وزیر دیگر هم با فشاری  
خارجی مستفی و ثوق الدوله نیز یکی از وزارت  
خانه را اشغال نموده بتدریج سایر منظره نواره  
نیکه مثل گرگ گرسنه دهن باز کرده اند بازرد

ایشان نایل و بقیه ملت فلاکت دیده ایران را بعنوان اسارت ابدی تسلیم بیگانگان نخواهند کرد

مادر مقابل این سیلهای بلا قدری که طاقت بشری قادر بر عبودیت واری است مقاومت نمود با شایسته مقصود را (که دفع استیلای اجانب و حفظ آزادی و حریت است) در آغوش نشیده یا جان بر سر این کار میگذاریم بنام نیک می میسریم و زندگانی ننگین را مانند این زندگان با ننگ تفت پانیریم

بگیر دو بنام به که صد زنده به ننگ و قانع سهری یک جوان شرف

مخاطب السلطان برادرزاده مغایر - الدوله که در سس و طخواهی و ناموس اخلاقی را از غم بزرگوار خود تحصیل کرده بعلاوه ردالتباه که در حکومت غم و معاونت خود نموده دیدنی هم پس از غل با پرروئی و سماجتی که مخصوص فامیل محترم ایشان است دار الحکومه شریف بلوٹ وجودش طوٹ میباشد این اوقات خواست خیانتهای سابقه خود را تکمیل و بمباغت عم گرامی خود که در تبریز مسئله مل احمی و غیره تاریخ درخشان را جایزیت آری با خون سایر آثار خبیثه خود در گیلان ساد کا بگذارد روز جمعه سلسله محرم بی آنکه از هیچ سمتی تعرضی یا تهدیدی مشاهده نماید و در نظر صاحب منصب بیت و مخفر سالد روس را با هم مخالفت خود بعمارت حکومتی آورده و منزل داد

این حرکت در تمام شهر انعکاس مسمی پیدا کرده شهر متزلزل و قریب معطل عمومی گشته و نزدیک بود کار بخرکهای نازکی شود آقای عزت الله خان نماینده محترم ملت اشخا و اسلام که فعالیت در قمار عالی اش بخدمات و تقسیم سابقه اس اوستی تازه بخشیده بفوریت از بهمان اهالی حلولگر کرده با قونولگری و ریاست قشون دولت و موکراسی روسیه داخله کرده گردیده تعجب در اینجا است که قونولگری در ریاست قشون یکسره ازین حرکت بی اطلاع بلاقای صاحب منصب و سایر ارباب از عمارت حکومتی امر با خراج نمودند و آنها نیز خارج اهالی از مضطرب خاطر و بهمان آسوده شدند مخاطب السلطان بی وجدان که موافق باین نیت خانان خود نشد تا چار حرکت را توقف ترشح داده عازم طهران گردیدند اشخا و اسلام کلا حظه اینکه این جوان غاری از حب وطن و از اسی رهنمائی از طرف دولت بود از مجازاتش اعراض نمودند و منظر عم که دولت علیه بپادشاه این خیانت بزرگ معاونت ولایتی را برای او نقص دانسته مستقلاً بکومت ولایت و گرس منصب کشید زیرا تا امروز هر فانی از هر نقطه مرکز ورود کرد و بعد از ثبوت خیانتش با رتقاء در ورتبه عالی نائل گردید

نمودند

اگر مجازات در مملکت کار فرما بود ایران ایرانیان بد بخت بچین روزی مصروف

نی شدند  
عجب تر نطق و قول دولت فخریه بکلیس  
است که خیلی مختصر در این مورد ویراد نموده که  
ما را با تفصیل در نمره آیه خواهیم در این موضوع  
ذکر کرده نمود.

### تظلم امانی رشت

حضور محترم امانی معظم هیئت اتحاد اسلام دست  
نفرتم .

بدین است که از آغاز تجمع تاکنون امانی  
فداکاری از برای حفظ استقلال این مملکت و  
حیانت نوامیس اسلامی مبذول داشته اند  
و همه قسم زحمت و صدقات فوق العاده از برای  
رفع ایادی ظلام جابره و قلع شجره استبداد  
و طغیان متحمل شده اند البته نتایج عملیات  
خالصانه آن هیئت مقدسه در پیکانه بزوان  
ناک و بزرگان دینی و ذوالاحسان ملی  
محموظ و شایان بسی تجید و تقدیر است و ابرار  
این اقدامات صمیمانه علاوه از آنکه سر مشق بندگان  
از برای وطن عزیز است موجب یکدیگر است  
تاریخی از برای برابریان دوست و سلام خواه  
نهایت قابل شکر و تقدیر است چنانچه نظاره  
اوضاع کنونی این بلد با نفوذ جانب و تحریک  
مفسدین داخلی بخوبی همه امانی واضح نماید که  
حفاظت اموال و اعراض و نفوس خود را  
از حسن نیت آن امانی مقدس است و راحتی و  
آسایش سکینه این بلد را با تأمل در همه عمل  
الذکر وجه از توجهات کافی آن دولت محترم  
میدانم شکرانه آن نعمت را فرض و نه خود را

ایمان

دانسته و میدانیم شخص تکمیل نواقص نظام شهر  
لازم دانستیم که مطلب ذیل را خاطر نشان امانی  
هیئت مقدسه بنماییم .

چندی بود امانی از رفتار خانانۀ منفاخر الدوله  
در زحمت و فشار بودند تا اکنون موقفاً از شر و  
غصه او براحت شده ایم بدستخاندۀ امانی امور  
بعد از حرکت او تاکنون عطف توجیبی بطرف کمال  
نموده اند با چنین اهمیت موقع مدتی است امانی  
حاکم صحیح العمل را از برای رشت با اینهمه درخواستها  
مواظب نظر نموده اند .

مخاطب السلطان که بقیه از نیات افعال شایسته  
است از نمره آن شجره و مربی تربیت آن خائن  
بوده این او ان وقت را غنیمت دانسته و جاه  
اسیه در میدان خیانت و تفسیح حقوق امانی است  
و آثار نمیکند نه در اجراء او امر دولتی کفایتی و نیز در  
احقاق امانی امانی و نه در نظام و حفاظت مردم امانی

شهر جدیدیت و صمیمیتی داشته و دارد و سهل است  
همه وقت نقش و بافاد و اختلال امور است  
گماشته و دو اسبه نیاز در صورتیکه مقام حلوان  
رشت نه قبول و امانی این خانواده است  
(هنوز زمان دولتی صادر نشده است) و نه من  
کفایتی در اینها مشاهده شده است که دولت  
مقبوعه حرف نظر از اینها را فهم سازد و نه آیه  
در روایه بر وجوب حکمرانی این فامیل نازل  
کر دیده است که امانی مجبور با طاعت و تقیاد  
این جماعت خائن شوند  
لذا اضطراراً شرحی بیهیت مغلطه و زراعت  
دست شوکتهم از سواد رفتار مخاطب و مفا

خرد و انعام یک حاکم صالحی را فخر برده نموده ایم که  
 سواد آن عیناً در لف پاکت است خواهید  
 ملاحظه فرمود و لازم شمردیم که اذنان مقدره  
 بهت استخار اسلام را هم مستحضر داریم و استغنا  
 کنیم نظری هم با مورخه شہر شت بفرمایند  
 غنی و میرحسینی برائالی گذاشته همگی را از شر و  
 رخسار آقای حاجی معاف خرد و مخاطب رحمت  
 فرماید تا راحت الحال و مرز ابال بدعا گونی  
 و بوظایف مقررہ خود مان مشغول شویم  
 و دست و گودوبک امضا

### تلگراف

بهت محترم اتحاد اسلام و ملت تو فیقاتم تلگراف  
 تسلیم آئین که حاکی از اشتراک آن ملت محترم  
 در قضیه بایک بود بلا نهایت موجب نزدیکی  
 احساسات صائبه و حسن ظنی که در این موقع  
 ابراز فرموده اید شایان کمال تقدیر و موفقت و  
 بقای سلامتی آن ملت محترم را همواره خواهیم  
 و نیز امید وارم افراد ملت به سعادت  
 نوعیه تو فیقات کامله حاصل کنند  
 تحفظی بختیاری

### استناب

اقدامات وطن پرستانه آقای امیر عسکری و آقایان  
 رشید الممالک و سالار فاقان و سایر خوانین  
 محترم اہل طلیس شامون که متحدین محترم ملت  
 اتحاد اسلامند و مخصوصاً تلگرافیکہ اخیر آقای  
 امیر عسکری برای مساعدت و تادیب قروض دولت  
 محابره نمودند تشکر نموده بهم عالیہ این فرزند  
 رشید ایران آئینہ درخندہ را امید داریم

بزرگان مملکت را متوجہ باین تلگراف نموده  
 بنیت پاک آقای امیر عسکری و سایر خوانین محترم  
 تاسی هست دولت را از زیر بار قروضی که با  
 شرایط خانہ برادر متحمل است رحمت نمایند  
 ملاقات

ریاست نشون دولت و موکراسی روسیه مقیم گیلان  
 باعدہ از صاحب منصبان محترم روز یکشنبه دوم صفر  
 اظهار دوستی و صمیمیت بیارار جمعہ اولم در و در نموده  
 طرف بیت اتحاد اسلام و فرزند خجور ابران آقای  
 میرزا کوکچک خان آقای حاجی احمد آقا  
 نامور پذیرائی گردیده با احترامات و تشریفاتیکہ در خود  
 این میهمان محترم بود پذیرائی کردند

عصر چهار روز پس از ختم مذاکرات دستاویز معاهدت  
 بشهر نموده شرح این ملاقات و اسامی میهمانان را  
 در نمرات بعد مفصلاً بعرض قارئین میرسانیم

### ادبیات گیلکی

ای براران ای براران فردا بانید دکان سُر  
 تا بگویم من شینه ربه چه با مویا ایران سُر  
 آینه وطن خائنین سی بکده تا که بنو  
 خاک سیانچی آینه ایران سُر طهران سُر  
 کابینه یہ بہم بزو وزیران عوض کده  
 قوام السلطنه بنت باز با و کلن سُر  
 وزیر داخله بو خاک بہ او وزیر سُر  
 ایران کار و خزانہ بشد شمشه کاران سُر  
 بشد و چتہ روز دگر و اگر دیو باسل و کلنک  
 تا ہمگی ایچا بشیم کسره کورستان سُر  
 ایران قبر بکنیم آینه انجمنہ بجا انیم سُر  
 تحویل اکلیم بندہ از فارتس تا گیلان سُر

مهرم

ای انگلیس ای انگلیس تیره دور دور واز کین  
 هر چه تی دین دیره باور شیر ز سر کرمان  
 اگر تیر بازو زوز دیره دانی تو پهلوان  
 چیره تیره زوزه خرج ندی اطرش ایان  
 ضعیف که خوب تو دانی مظلوم خفته کنی بهتر  
 آفت چیره ناری بکفار وزیر ترکان  
 اما تو خاطر جمع ببو تا جنگین زنده این  
 تیره وانا کن تا بی آن خاک نشرون  
 ایرانیان ایرانیان بهت کیند بهت کیند  
 گر انگلیس دس بیایه ملکت کمان سر  
 مثل هندوستان آمد احوار و دلیل خویز کین  
 آه رانیه آخر بستر مضر پالو عمان سر  
 ای بران بانید بانید توپ و تفند باورید  
 انا فوزگان بزیم آن دشمنان سر  
 یا کار با کیره بو یا همه کشته بهیم  
 یا آینه دسه کو تا کنیم ایران و بندون سر  
 چسرنند برند  
 دولت

اگا دمی جنگل برای ربودن یک اشرفی مردگانی  
 مشغول تفحص کتابهای لغت است بالاخره خواهد  
 یافت البته نا امید شیطان است

مکروب  
 از مجلس حفظ الفقه خبر میدهند بازگی از داد و فریاد  
 و گریه انگلی ایالات و ولایات در مرکز نگر دنی تولید  
 شده که اغلب از رجال را بعلت باه نقل سامع کرده است  
 توضیح

آقای مخاطب السلطان در خصوص خواستن  
 هیت پنج نفر سادات در دار الحکومه فرستاده است

که راجع با مورات داخله بوده بلکه برای بند و اندرز  
 و تشویق ایشان بوده که در این موقع بار یک از  
 حکومت موقتی روسیه که طالب دوام جنگ  
 میباشد سپر سچی و تیز نماید  
 دخت و اضطراب مالی رشت از جهالت است  
 تجھیرات

بجسته بیت دنم محترم آقای مخاطب السلطان سر  
 باز می فوج معود را با عده از قزاقهای ایرانی در  
 دار الحکومه جمع نموده و مخاطب ساخته و دستور  
 میدهد که برای کمک و معاونت بقرون  
 ایتالیا اعزام گردند صاحب منصبهای فوج  
 مذکور برای تهیه لوازمات تا بعد از خاتمه جنگین  
 المللی دولت خواستند

حق شناس  
 جوانانی میشد که برای پاس زحمت دولت فخره  
 انگلیس در حفظ ملل صغیره یلس جنوب شده اند  
 دولت خواهی

تی که داشتن انبار دولتی از گندم و جمع نکردن محصول  
 از صحرا از نیکفای آقای حاج محشم السلطنه بوده بلکه  
 از احتیاط و دولت خواهی بوده که مبادا مردم  
 از بیک گرسنه و پریشانند هجوم آورده آدوغه را  
 تاراج نمایند

عقده نخورد کسبون از راق جبران خواهد کرد  
 صنایع مستطرفه در وطن ما ایجاد یک مصور  
 ماهری شده که تصویر خادمان مرده را با احتمال  
 خاشاک زنده در یک تابلو جلوه میدهد به قسمی این  
 هنر را تکمیل کرده که قاریین و ناظرین و تماشاچیان  
 مرده را از زنده و حاشان را از خادوم تمیز نمیدهند